

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا

۵۲۸

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: عبدال گلپریان

۳۰ تیر ۱۳۸۹، ۲۱ ژوئیه ۲۰۱۰

چهارشنبه ها منتشر میشود

فعالین کارگری در کردستان باید راه نشان بدهند



ناصر اصغری

سندج در روز ۲۹ تیر خیر داد. احضار این دو تن در ادامه حمله سازمان یافته دیگری است که جمهوری اسلامی بر علیه فعالین کارگری شروع کرده است. در همین دوره چندین فعال کارگری، از جمله سعید ترابیان، رضا شهابی، مهدی فراهی شانیدی و بهنام ابراهیم زاده دستگیر شده و تحت شکنجه های وحشیانه و قرون وسطائی اسلامی قرار گرفته اند. هم اکنون کمپینی برای آزادی همه فعالین کارگری در

صفحه ۲

"اتحادیه آزاد کارگران ایران" طی اطلاعیه ای از احضار صدیق کریمی و فؤاد کیخسروی، دو تن از فعالین سرشناس و رهبران محبوب جنبش کارگری مشخصا در کردستان و

توحش و باز هم توحش

که شش سال است از جمهوری اسلامی زاییده شده و جامعه موسوم به بلوچستان را به قهقرا و ارتجاع و نظامیگری مضاعفی کشانده است. پنجشنبه ۲۴ تیر ماه در پی دو بمب گذاری انتحاری در حسینیه شیعیان شهر زاهدان ۲۷ کشته و ۳۰۶ نفر زخمی شدند. گروه جنرالته اعلام کرد دو عضو "نوجوان" این گروه بنامهای محمد ریگی و عبدالباسط ریگی این عملیات انتحاری را در جمع ماموران سپاه پاسداران که مشغول برگزاری همایش روز پاسدار بودند انجام دادند. در کارنامه این جریان وحشی اسلامی همچننین انفجار مسجد امیرالمومنین زاهدان با ۲۵ کشته، انفجار ۲۶ مهر سال گذشته با ۲۹

صفحه ۳



اقبال نظر گاهی

حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی بر جامعه ایران سبب ایجاد زمینه برای رشد جریانات رنگارنگ قومی و مذهبی گردیده که وجه مشترکشان مانند خود جمهوری اسلامی توحش و قتل و کشتار و ترور است. گروه جنرالته یکی از نطفه های این توحش اسلام سیاسی است

خطاب به همه آنها که برای نجات سکینه در سراسر جهان فعالیت میکنند نه تنها سکینه که انسانیت به تلاش شما نیاز دارد



مینا احدی

چه با شکوه است که صدها هزار نفر در سراسر جهان قلبشان برای زنی در زندانهای ایران میپلبد. چه مسرت بخش است که در طول سه هفته سکینه محمدی آشتیانی، زنی گمنام، به همت انسانهای بیشماری در سراسر جهان به یکی از معروف ترین زنان دنیا تبدیل شد و نور امید در دلش زنده شد. و چه امیدبخش است که میلیونها نفر از قاره های مختلف دنیا در دفاع از انسانیت، علیه یک حکومت ضد انسان قد علم میکنند و این حکومت را به عقب میرانند.

۱- سکینه به همت این تلاش جهانی و قبل از همه تلاش فرزندان سکینه، از سنگسار نجات یافت. امیدوارم این تلاشها در ادامه خود به نجات کامل سکینه از اعدام و زندان منجر شود.

۲- فشار جهانی علیه جمهوری اسلامی، تا همینجا این حکومت را در اجرای سایر احکام اعدام و سنگسار نیز محتاط کرده است. هرچند اعدام و جنایت لازمه

دوستان عزیز
اجازه بدهید به سهم خودم از

بقای این حکومت است، اما این تلاش ها میزان آنها را کاهش میدهد.

۳- جمهوری اسلامی در دنیا بسیار بی آبروتر و منفورتر شد. سه دهه است تلاش میکنیم به دنیا بگوئیم که این حکومت با مردم

صفحه ۲

جمهوری اسلامی پرونده سکینه را متوقف کرده و گفته است در ۲۰ روز آینده تکلیف سکینه را روشن میکند

صفحه ۳

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری پیرامون انفجارهای زاهدان

صفحه ۳

نقش منصور حکمت در مبارزه مسلحانه در کردستان مصاحبه با بیدی محمودی

صفحه ۴

پایان دادن به ناامنی محیط کار، خواست فوری و عاجل کارگران است

صفحه ۴

اخباری از شهرهای کردستان

صفحه ۵

سعید ترابیان پس از ۴۲ روز بازداشت از زندان آزاد شد

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ فعالین کارگری در کردستان...

امر بسیار مهم در پیشبرد مبارزات است.

بطور مشترك رفت پای برگزاری اول ماه مه و قطعنامه مشترك صادر کرد، چگونه است که امکان همکاری در اعتراض به گردنکشی های اسلامیون فراهم نشده است؟ آن چه عنصری است که اولی را ممکن ساخته اما در نقش بازی کردن در دومی غایب بوده است؟ سراغ آن عنصر برویم، پیدا کنیم و به آن بچسبیم. گاهی به "من اعتراض نکردم" شعر مشهور پرتولت برشت فکر می کنم که یکی یکی را بردند و کشتند اما ناظر اعتراض نکرد چرا که با او فعلا کاری نداشتند. اما رفقا می توانید مطمئن باشید که جمهوری اسلامی با تک تک ما کار دارد و سراغمان خواهد آمد مگر اینکه کاری نکنیم.

با جمهوری اسلامی در افتاده ایم

ما فعالین کارگری و فعالین اجتماعی وقتی که با رژیم هاری مثل جمهوری اسلامی طرف می شویم، این نکته برایمان مسلم است که دفاع از حق کارگر، کودک، زن، جوان و انسان علی العموم جرم است و عواقبی هم برایمان به همراه خواهد داشت. با این همه وارد این عرصه می شویم. هماهنگی هائی که با فعالین عرصه های دیگر و یا در همان عرصه اما با گرایشهای دیگر می کنیم، از سر دفاع از حق و حقوق مشخصی است. گاهی چنان در این کارمان غرق می شویم که پس زدن حملات رژیم را بر خود و فعالینی مثل خود را از یاد می بریم. رفقا جنگ با جمهوری اسلامی و پیشبرد امر مبارزه با سرمایه داری، شامل هوای همدیگر داشتن هم می شود. شامل سازمان دادن اعتراضات بزرگ هم می شود. اعتراضاتی مثل اعتراض به گردنکشی، به زندانی کردن فعالین سیاسی و به داشتن پدیده ای به اسم زندانی سیاسی. پیشبرد امر مبارزه در عرصه کارگری، زنان، جوانان و غیره بر عهده شماست. اگر تک تک این فعالین دستگیر بشوند، سازمان دادن اعتراضات و راه و چاه نشان دادن هم دچار دست انداز جدی می شود. نتیجه ای که می خواهم بگیرم این است که دفاع از آزادی فعالین کارگری از هر گرایش و نهادی يك

جریان است که خوانندگان این سطور حتما از آن باخبرند. اما آنچه که در این نوشته مد نظر است، سخنی است با فعالین کارگری و اینجا مشخصا رو به فعالین کارگری در کردستان. بخش زیادی از فعالین کارگری در کردستان هم اکنون در تشکل هائی چون "اتحادیه آزاد کارگران ایران"، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" و "کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری در ایران" متشکل هستند. بخش قابل توجهی از فعالین و اعضا این تشکل ها نه تنها فعالین سرشناس جنبش کارگری هستند، بلکه رهبران محبوب جامعه علی العموم نیز می باشند. محمود صالحی، شیث امانی، صدیق کریمی، محمد عبدی پور، بهنام ابراهیم زاده، فواد کیخسروی و دهها نام دیگر، نامهایی نیستند که فقط کارگران آنها را می شناسند و رهبران و نمایندگان خود می دانند. اینها کسانی هستند که کل جامعه به فراخوانهای آنها جواب می دهد. بحث این است که اگر این رهبران و فعالین کارگری دست به اقداماتی متحد و پیشگروانه نزنند، بعید نیست که جمهوری اسلامی همه اینها را یکی بعد از دیگری دستگیر کند و زیر فشار و شکنجه قرار بدهد. معلوم است که اعضا و فعالین این نهادها با همدیگر چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ سلیقه ای اختلافات و گاهی اختلاف جدی هم دارند؛ اما اگر دمکراتها، آنارشیستها و کمونیستها می توانند در برابر حملات فاشیسم متحد شوند، چگونه است که فعالین کارگری ای که گاهی برای تشخیص اختلافات سیاسیشان باید برآستی در نوشته هایشان دقیق شد، نمی توانند در برابر حملات وحشیانه جمهوری اسلامی دست به اتحاد عملهای مشخص و پیشگروانه ای بزنند؟! واقعیت امر این است که این موضوع مختص امروز نیست، سالهاست که جمهوری اسلامی فعالین کارگری را در يك محدوده ای مثل کردستان زیر فشار می گذارد و ما شاهد يك حرکت همسو و مشترك از جانب کلیه تشکلهای موجود کارگری نیستیم! اگر بشود

خطاب به همه آنها که برای نجات سکینه ...

از صفحه ۱



سکینه محمدی آشتیانی

ایران چه میکند و امروز بیش از هر زمان مردم جهان با مردم ایران و مبارزه آنها برای خلاص شدن از دست این حکومت احساس همبستگی میکنند و این برای مردم ایران بسیار گرانقدر و یاری دهنده است.

۴- به همت تلاش شما و افشای گسترده جمهوری اسلامی، ساخت و پاخت و مامشات با این حکومت برای دولت هائی که این سی سال کنار این حکومت بودند و درمورد جنایاتش سکوت کردند، دشوارتر شد. و این نیز مستقیما بر مبارزه مردم ایران تاثیر میگذارد.

۵- خواست لغو مجازات اعدام و سنگسار از خواستههای مهم مردم ایران است. جمهوری اسلامی از بدو به قدرت رسیدن تا کنون نزدیک به صد هزار نفر از عزیزان مردم را به جرم مخالفت سیاسی با این حکومت، به جرم داشتن عقیده ای دیگر، به جرم آزاد اندیشی، به جرم بی اعتقادی به مذهب، اعتقاد به مذهبی دیگر و یا به جرم ارتداد و یا صرفا به خاطر عشق ورزیدن به کسی، به جرم هموسکسوالیسم، به جرم عدم رعایت حجاب اسلامی، عدم رعایت مقررات اسلامی و یا به جرم نخواستن چنین حکومتی، در دادگاههایی که هیچ انسان شرافتمندی نمیتواند اسم دادگاه بر آنها بگذارد، اعدام و یا سنگسار کرده است. اعدام يك رکن مهم این حکومت است و مبارزه با اعدام يك رکن مهم مبارزه مردم علیه این حکومت است. در هفته های گذشته شما در سطح جهان به دفاع از این خواست انسانی مردم ایران بلند شنیدید و پرچم لغو مجازات اعدام و

سنگسار را بالاتر بردید. ۶- و مهتر از همه، شبکه های بزرگی از اکتیویست ها به همت شما شکل گرفت که میتوان امیدوار بود که این شبکه ها هر بار قدرتمندتر و مجرب تر از گذشته در مقابل اعدام ها و سنگسارها قد علم خواهند کرد و مردم ایران را در مبارزه بسیار انسانی شان علیه این حکومت توحش مذهبی یاری خواهند داد. به شما اطمینان میدهم که شما امید به رهایی و امکان رهایی از شر این حکومت را برای مردم ایران و جهان تسهیل نمودید. شما قدم بزرگی این مبارزه تماما انسانی برای سرنگونی این حکومت و شکل دادن به جامعه ای آزاد و برابر و انسانی را به جلو بردید. بنابراین قدر شبکه هائی که ایجاد کرده اید را بخوبی بدانید و هر چه بیشتر آنها را تقویت کنید.

دست تک تک شما عزیزان را میفشارم و امیدوارم که مبارزه شما هرروز قدرتمندتر و سازمان یافته تر شود و نقش هرچه بیشتری در کنار مردم ستمدیده ایران ایفا کند.

مینا احدی
سخنگوی کمیته بین المللی
علیه اعدام و کمیته بین المللی
علیه سنگسار
۱۹ جولای ۲۰۱۰

کارگری متحد می توانند جمهوری اسلامی را به عقب نشینی بکشاند و راه حلی جلو کل جامعه بگذارند.

۱۷ ژوئیه ۲۰۱۰

ضعفش است. می خواهد با دستگیری و زیر فشار گذاشتن این فعالین فشار بر خود را بکاهد. در عین حال با این کار خود می خواهد طول و عرض حمله خود بر جامعه را نیز بسنجد. کارگران و فعالین

تشکیل نهادهای دفاعی
در مبارزه روزمره مان تشکلهای توده ای ایجاد می کنیم که مثلا بر سر فشار بر زن و یا برای افزایش دستمزد و اعتراض به زندانی سیاسی و غیره مردم را متحد و سازمان بدسیم. کار سیاسی می کنیم که دنیایی شایسته انسان بسازیم. بر سر راهمان ارتشی از وحشیان اسلامی حداقل در ایران حضور دارند که پس زدن آنها يك شرط پیشروی است. پس زدن آنها با مبارزه فعالین اجتماعی ممکن است. باید برای آزادی این فعالین کارهای زیادی کرد. باید سریعا به هر تحرک رژیم برای محدود کردن این فعالین واکنش نشان داد. نمی شود دست رژیم را در سرکوب این فعالین همینطوری باز گذاشت. يك راه مؤثر این کار، تشکیل نهادها و کمیته های دفاع از يك فعال زندانی و تحت فشار قرار گرفته مشخص است. "کمیته دفاع از محمود صالحی" را همه بیاد دارند. هم اکنون در سقز نهادی تحت عنوان "انجمن دفاع از کارگران اخراجی سقز" درست شده است. اینها همه تشکل هستند و هر يك از آنها می تواند کار مهمی را به پیش ببرد و جمعی را در آن و دور يك خواست مشخص سازمان بدهد. به نظر من فعالین کارگری مثلا اشنویه باید سریعا نهادی برای دفاع از بهنام ابراهیم زاده تشکیل بدهند. در همان اشنویه باید نهادی برای دفاع از اعضای تحت فشار کمیته هماهنگی درست بشود. در سندانج نهاد دفاع از پدram نصرالهی درست بشود. بخش وسیعی از فعالین این نهادها کسانی می توانند باشند که با شخص مزبور رابطه روزانه و طبیعی داشته اند. پدر، مادر، همسر، عمه، عمو، خاله، دایی، خواهر، برادر، دوست، همکلاسی، مکانیک و مغازه دار محله، معلم و غیره. هر کدام از این نهادها دهها و صدها نفر را بسیج می کند و این را برای رژیم به يك مشغله تبدیل می کند. تشکل توده ای همین است. شاخ ندارد.

جمهوری اسلامی از موضع قدرت نیست که فعالین کارگری و فعالین اجتماعی را دستگیر می کند و زیر فشار می گذارد. از سر

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری: پیرامون انفجارهای زاهدان

روز پنجشنبه ۲۴ تیر دو بمب گذاری انتحاری در جلوی مسجدی در زاهدان صورت گرفت که منجر به کشته شدن دهها نفر و زخمی شدن صدها نفر دیگر گردید. در میان کشته و زخمی شدگان علاوه بر دو بمب گذار و عناصری از سپاه پاسداران، تعداد زیادی مردم عادی وجود دارند. این انفجارها موجب ترس و وحشت میان مردم شده و به رژیم اسلامی امکان داده است تا فضای شهر زاهدان و کل منطقه را بیش از پیش نظامی و پلیسی کند. گروه جنرالان با انتشار عکس دو جوان بعنوان عاملین این بمب گذاری، مسئولیت این انفجارها را بعهد گرفته و انجام این عملیات را به تلافی اعدام عبدالله ریگی و همچنین در حمایت از "اهل سنت" اعلام کرده است.

حزب کمونیست کارگری این جنایات و کل تروریسم اسلامی و کشتار مردم بیگناه را شدیداً محکوم میکند. حزب همه مردم را فرامیخواند تا مستقل از هویت های کاذبی که برای آنها ساخته اند برای سرنگونی رژیم اسلامی که خود سرمنشأ تروریسم اسلامی و حاکمیت کشتار و جنایت و سرکوب و محرومیت اکثریت عظیم جامعه است، و برای برقراری یک حکومت غیر مذهبی و غیر قومی و انسانی دست در دست هم بپا خیزند.

سرنگون باد رژیم اسلامی
نه قومی، نه مذهبی،
حکومت انسانی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ تیرماه ۱۳۸۹
۱۶ جولای ۲۰۱۰

اما این جلوه دیگری از جنگ تروریست های اسلامی، از یکسو جمهوری اسلامی که جز با اعدام و ترور و جنایت یک روز هم دوام نمی آورد، و از سوی دیگر گروه شبه

مقامات قضائی جمهوری اسلامی قرار است روز ۲۱ جولای در مورد سکینه تصمیم بگیرند

نگهداشته اند. سکینه باید آزاد شود.

برای نجات سکینه از اعدام و زندان باید فشار جهانی علیه جمهوری اسلامی را تشدید کنیم. این تنها راه عقب راندن حکومت قاتلان اسلامی است. تلاش جهانی و گسترده دو هفته گذشته نشان داد که میتوان جمهوری اسلامی را عقب راند و سکینه و سایر محکومین به اعدام و سنگسار را از دست این حکومت نجات داد.

کمیته بین المللی علیه اعدام
www.notonemoreexecution.org

۱۹ جولای ۲۰۱۰
۲۸ تیرماه ۱۳۸۹

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد.
اعدام یا هر نوع مجازات منضمّن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، ننبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است.
همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

توحش و باز هم ...

از صفحه ۱



همپالگهیهای این جریان که خود را "بنیادگرایی سلفی سنی مذهب و ضد شیعه" تعریف کرده است در جوامع موسوم به کردستان و خوزستان نیز وجود دارند و اگرچه مدرنیزم این جوامع اجازه تشکیلاتی علنی به آنان نداده است اما بصورت شبکه ای زیر زمینی حضور دارند و برای به انحطاط راندن جامعه با جمهوری اسلامی در رقابتند.

صف آزادیخواهی و برابری طلبی که در مصاف با جمهوری اسلامیست و این رژیم اعدام و ترور و فلاکت را به پرتگاه سقوط رانده است همزمان مجبور است به مصاف با جریانات ریز و درشت قومی و مذهبی هم برود و اجازه ندهد این جریانات ضد مدنیت و ضد انسانی به اسم مبارزه با جمهوری اسلامی از میان مردمان محروم و ستم دیده و بی حقوق نیرو بگیرند و سرباز گیری نمایند. در غیاب علنی جبهه انسانیت برای منزوی کردن این نیروی وحشی، جامعه به میدان ترور و نظامیگری تبدیل می شود و نه تنها کمکی به سقوط جمهوری اسلامی نمی کند بلکه موجب تحکیم و سرکوب بیشتر مردم به بهانه امثال جنرالان هم می گردد.

۲۰ ژوئیه ۲۰۱۰

طرف جریانات باند سیاهی مانند جنرالان مورد تعرض وحشیانه قرار دارند که نتیجه بلافضل آن، تنگتر شدن فضا برای اعتراضات اجتماعی و ایجاد هرج و مرج نظامی، ترور، انفجار و سرکوب خونین است. خطر این نوزادهای جمهوری اسلامی نه برای رژیم که برای جامعه است. امروز که جامعه ایران در تلاش برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی است، این جریان باند سیاهی مشغول بمب گذاری و ترور و جو وحشت اند تا به بهانه ضدیت با جمهوری اسلامی بر مردم آن منطقه مسلط شوند.

کشته و عملیات تاسوکی در اسفند ۱۳۸۴ با ۲۲ کشته قرار دارد. جنرالان محصول بلافضل جنایات جمهوری اسلامی در سیستان و بلوچستان است. محروم کردن یک جامعه از ابتدایی ترین حقوق حقه خود به بهانه واهی و ساختگی مذهب و قومیت متفاوت داشتن و جرم لب مرز نشینی و ستم مضاعف مبتنی بر آن بعلاوه در فقر و فلاکت نگاه داشتن آن جامعه و قتل و ترور و اعدام ناراضیان آن جامعه سبب ایجاد وضعیتی شده است که امروز مردم موسوم به بلوچ، هم از سوی حکومت جمهوری اسلامی و هم از

جمهوری اسلامی پرونده سکینه را متوقف کرده و گفته است در ۲۰ روز آینده تکلیف سکینه را روشن میکند

را نجات داد. احکام سنگسار و اعدام علیه سکینه و سایر محکومین به اعدام و سنگسار باید فوراً ملغی شود و مجازات سنگسار و اعدام و قصاص تماماً برچیده شود.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۱ جولای ۲۰۱۰
۳۰ تیرماه ۱۳۸۹



بشدت تلاش میکند خبر مربوط به پرونده سکینه در رسانه ها منعکس نشود تا این پرونده از یک موضوع داغ خارج شود.

همه مردم ایران و جهان را فرامیخوانیم که همچنان به مبارزه خود برای نجات سکینه از اعدام و سنگسار و زندان ادامه دهند. از همه رسانه ها میخواهیم خبرهای مربوط به سکینه و فعالیت های جهانی برای نجات او را هرچه وسیعتر منعکس کنند و توطئه جمهوری اسلامی برای مسکوت ماندن این پرونده را خنثی کنند. تنها با فشار جهانی علیه جمهوری اسلامی و انعکاس هرچه گسترده تر این مساله در سطح جهان، میتوان سکینه و سکینه های دیگر

در اطلاعیه شماره قبل خبر دادیم که مقامات قوه قضائیه در تهران قرار است روز چهارشنبه ۲۱ جولای در مورد سکینه محمدی آشتیانی تصمیم گیری کنند. یک منبع خبری ما امروز اطلاع داد که پرونده سکینه به شعبه ۹ دیوان عالی کشور، آنرا متوقف کرده و گفته است که تا ۲۰ روز دیگر تکلیف این پرونده را روشن خواهد کرد. خطر اعدام و یا حتی سنگسار همچنان بالای سر سکینه قرار دارد.

هدف رژیم روشن است. می خواهد وقت بخرد و با تعویق اجرای حکم، فشار جهانی روی خود را کاهش دهد تا در سکوت به جنایات خود ادامه دهد. رژیم

نقش منصور حکمت در مبارزه مسلحانه در کردستان مصاحبه با یدی محمودی



یدی محمودی

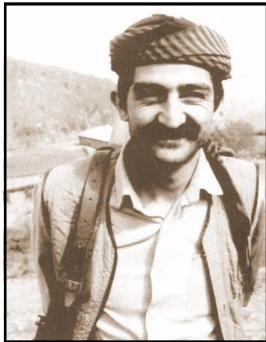
تورنتو بیان کردید. لطفا برای خوانندگان نشریه ایسکرا این مسئله بیشتر توضیح دهید را توضیح دهید؟

یدی محمودی: در مراسم هشتمین سالگرد گرامیداشت منصور حکمت به نکات بیشتری اشاره کردم که دوست دارم قبل از پرداختن به جواب سوال مشخص شما اینجا هم باز اشاره ای به آن نکات و نقش منصور حکمت داشته باشم. به نظر من منصور حکمت کلا نگرش کومه له و کمونیستهای کردستان به مبارزه مسلحانه را عوض کرد. تا قبل از آن مبارزه مسلحانه بیشتر با الگوبرداری از سنت ناسیونالیسم کرد پیش می رفت. اصلا کلمه "پیشمرگ" یعنی سند مرگش را از قبل امضا کرده است. قرار بود پیشمرگان بیابند و مردم را نجات دهند و در راه این نجات دادن مردم هم جانشان را از دست بدهند. همه مردم هم برای ارتقا این نوع مبارزه از هست و نیستشان بگذرند و به پیشمرگان نشان خدمات دهند.

اما منصور حکمت با تاکید بر نقش کمونیستها در کردستان نه تنها فقط در یک عرصه بلکه در همه

عرصه ها، در عرصه سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و مبارزه کارگران، جوانان، زنان و نقش پیشرو یک نیروی آگاه که جنگ و مبارزه مسلحانه را در نهایت برای این می خواهد که کمکی باشد برای پیشبرد اهداف سیاسی، برای تسهیل مبارزه در عرصه های دیگر علیه جمهوری اسلامی و به زیر کشیدن این رژیم که تنها می توانست از طریق بسیج و سازماندهی توده های کارگر و زحمتکش در محل کار و زندگیشان صورت پذیرد. نه آنطوری که تبلیغات و فعالیتهای آندوره کومه له، که گویا از طریق مبارزه مسلحانه می شود رژیم را سرنگون کرد و تنها راه هم پیوستن به نیروی نظامی کومه له است. حتی برخورد و نگرش ما به احزاب بورژوازی از جمله حزب دمکرات و جنگ با این حزب تحت تاثیر بحثهای منصور حکمت دچار تحولات عمیقی شد.

برخورد به اسیران جنگی، برخورد به مردم زحمتکش و اموالشان، برخورد به مسئله زن، برخورد به اعضا و هوادارانی که زیر فشار و شکنجه های جمهوری اسلامی به تلویزیون کشیده می شدند و حتی خود زنان



اما در مورد جواب سؤالتان باید باز تاکید کنم، که می توان به جرأت گفت که منصور حکمت جان صدها نفر را از مرگ حتمی و یا ترازدیهایی دیگری که متاسفانه جان و زندگی بسیاری را نیز گرفت نجات داد. شیوه سنتی مبارزه مسلحانه در کردستان این بود که پیشمرگ می جنگد تا بالاخره روزی در جنگی کشته شود یا بقول سنت ناسیونالیستی و مذهبی "شهید" شود. منصور حکمت می گفت پیشمرگ و نیروی نظامی برای کمونیستها نمی تواند و نباید همان الگو و سنت ناسیونالیستی باشد. باید معلوم باشد که اشخاص چه مدتی باید در نیروی نظامی فعالیت کنند. باید به فشارها و سختیهای این

نیرو توجه جدی کرد. باید زخمی و معلولین و خانواده نیروی های نظامی بتوانند از امنیت کامل و مناسبی برخوردار باشند و در نهایت با اعزام آنها به کشورهای اروپایی اینها بتوانند در آرامش کامل بسر ببرند.

تا قبل از غالب شدن این نگرش بر پدیده پیشمرگه، کناره گرفتن از فعالیت نظامی چنان تحقیر می شد که طرف مجبور می شد به راحتی خود را تسلیم نیروهای جمهوری اسلامی بکند. کلمه "دانشتوه" ("نشسته") و یا "ناش بتال" (انفعال) خفت آور بود.

منصور حکمت احترام عمیقی به زندگی و فعالیت برای زندگی بهتر قائل بود. خبر مرگ هر رفیقی چه در صف پیشمرگان کومه له و چه در زندانهای جمهوری اسلامی او را به شدت متقلب می کرد. برخورد منصور حکمت به پیشمرگه ای که از فعالیت نظامی کناره می گرفت این بود که در داوطلبانه ترین شرایط حاضر شده سالها در صف پیشمرگان کومه له سخت ترین زندگی را تحمل کند و با مرگ بارها روبرو شود. این نگرش به مرور زمان و با کنار زدن مقاومت سنت ناسیونالیستی در کومه له بالاخره حاکم شد.

ادامه دارد

پایان دادن به ناامنی محیط کار، خواست فوری و عاجل کارگران است

طبق اخباری که به حزب کمونیست کارگری ایران رسیده است، ف. شاه محمدی، کارگر ۳۵ ساله دارای همسر و سه فرزند در شهر دیواندره درحین کار، بدلیل نبود امکانات ایمنی درمحل کار، از پشت بام خانه سقوط کرد و بطرز دلخراشی جان باخت. در شهر سقز نیز در دو حادثه دلخراش جداگانه، یک کارگر دیگر چند روز پیش در ساختمان محل کارش جان خود را از دست داد. همچنین صلاح مروتی جوان ۲۰ ساله، در اثر ناامنی محیط کار دچار برق گرفتگی شد و جان باخت. اینها فقط نمونه هایی از موارد بسیار قربانی شدن کارگران در اثر ناامنی محیط کار در ایران

است. سودجویی کارفرمایان و دولت محیط های کار را به قتل گاه کارگران تبدیل کرده است. بنابه اعترافات رسمی و گزارش سازمان تأمین اجتماعی کشور، فقط در سال گذشته بیست هزار نفر در حوادث ناشی از کار آسیب های جدی دیده اند و بیش از صد نفر بر اثر ناامنی ایجاد شده در محیط کار جان باخته اند.

این آمار قطعاً قابل اعتماد نیست و رقم صدمات و آسیبهایی های ناشی از عدم ایمنی کافی، بارها بیشتر از آمارهای سانسور شده جمهوری اسلامی است. تلفات و صدمات ناشی از ناایمن بودن

استانداردهای بین المللی شناخته شده مجهز گردد. هرگونه تعلل در این امر مستقیماً جان کارگران و زندگی و معیشت خانواده های آنان را مورد هدف قرار می دهد. و جنایت محسوب میشود.

گسترده نسبت به بی توجهی کارفرمایان به ایمنی محیط کار و عدم سرمایه گذاری در این زمینه فرا می خواند. ایمنی محیط کار باید در دستور فوری مجامع عمومی کارگران قرار گیرد. از میان خود هیاتهایی را برای ثبت مواردی که جان و سلامتشان را به خطر می اندازد تعیین کنند و نتیجه آنرا به موضوع قطعنامه و اعتراض خود تبدیل کنند. کارفرما موظف است که ایمنی محیط کار کارگر را تامین کند. محیط های کار باید به آخرین امکانات ایمنی با

محیط کار، فشار طاقت فرسای کارفرمایان بر کارگران و اجبار به کارهای سخت و زیان آور، افزایش ساعت کار و یا اضافه کاری اجباری، محیط های آلوده به مواد شیمیایی و دودزا، نبودن وسایل و دستگاه هایی که فشار فیزیکی و جسمی بر کارگران را کاهش دهد، عدم اجرای استانداردهای شناخته شده بین المللی برای ممانعت از بروز حوادث، لطمات جبران ناپذیری را به طبقه کارگر در ایران وارد می آورد. کارگران و خانواده های آنان، کارفرمایان و حکومت جمهوری اسلامی را مسئول مستقیم این حوادث و فجایع می شناسند.

حزب کمونیست کارگری ایران ضمن تسلیت و ابراز همدردی عمیق با این کارگران و با خانواده های شریف و رنجبیده آنان؛ کارگران و خانواده هایشان را به اعتراض

زنده باد انقلاب انسانی
برای حکومت انسانی

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ تیرماه ۱۳۸۹
۲۰ جولای ۲۰۱۰

زنده باد انقلاب انسانی
برای حکومت انسانی

اخباری از شهرهای کردستان

احضار صدیق کریمی و فواد کیخسروی را به دادگاه قویا محکوم میکنیم



صدیق کریمی عضو هیئت مدیره و فواد کیخسروی از اعضای فعال اتحادیه آزاد کارگران ایران به شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج احضار شدند. بر اساس این احضاریه صدیق کریمی و فواد کیخسروی در ساعت ۳۰/۱۰ صبح روز ۲۹ تیر ماه در دادگاه حاضر خواهند شد.

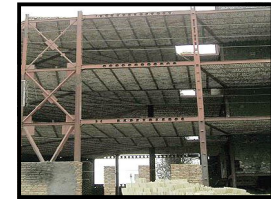
صدیق کریمی و فواد کیخسروی روز ۱۱ اردیبهشت ماه (اول ماه مه) سال جاری توسط مامورین امنیتی در شهر سنندج به اتهام تلاش برای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر بازداشت و مورد بازجویی قرار گرفتند اما در دادگاه به آنان اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق عضویت در اتحادیه آزاد کارگران ایران را وارد کردند و قرار است روز ۲۹ تیرماه جاری به همین اتهام مورد محاکمه قرار بگیرند.

ما ایجاد تشکل و عضویت کارگران در تشکلهای و نهادهای کارگری را حق مسلم و خدشه ناپذیر طبقه کارگر ایران میدانیم و محاکمه صدیق کریمی و فواد کیخسروی را به اتهام عضویت در اتحادیه آزاد کارگران ایران قویا محکوم میکنیم و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط سعید ترابیان، رضا شهابی،

بهنام ابراهیم زاده، ابراهیم مددی، منصور اسالو، مهدی فراهی شاننیز و تمامی انسانهای حق طلب و آزادیخواه از زندان هستیم و از تمامی سازمانها و نهادهای کارگری در ایران و سراسر جهان میخواهیم در صفوفی متحد خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران و تمامی انسانهای حق طلب و آزادیخواه از زندان و پایان دادن به تعقیب قضائی رهبران و فعالین کارگری بشوند.

زنده باد اول ماه مه
تشکل، تجمع، اعتصاب حق مسلم ماست
اتحادیه آزاد کارگران ایران

مرگ یک کارگر بدلیل نبود ایمنی کار



۲ هفته پیش یک کارگر ساختمانی در شهر دیواندره بنام ف. شاه محمدی در حین کار، بدلیل نبود ایمنی محل کار از پشت بام خانه سقوط کرد و جان خود را از دست داد. این کارگر ۳۵ ساله دارای سه فرزند و همسر است که پس از مرگ او بدون حامی باید به زندگیشان ادامه دهند. در شهر سقز نیز یک فرد دیگر چند روز پیش در

ساختمان محل کارش جان خود را از دست داد.

جان باختر یک کارگر در سقز



آزاد کریمی کارگری که در عملیات آسفالت کشتی تحت کارفرمایی شهرداری سقز مشغول به کار بود، متأسفانه در تاریخ ۱۷/۴/۱۳۸۹ در اثر بی احتیاطی راننده غلتک، به زیر گرفته شد و جانش را از دست داد. آزاد کریمی، یکی از بیشمار کارگرانی است که در اثر نبودن ایمنی لازم در محیط های کاری جان خود را از دست داد.

خودکشی کارگری بر اثر فشار زندگی



بنا به خبر دریافتی از کمیته هماهنگی روز دوشنبه ۲۱/۴/۸۹ ابوبکر محمدی، ۶۰ ساله کارگر شرکت سامان راه توانا ساکن شهر بیجار بر اثر فقر و فشار زندگی خود را حلق آویز کرد

ویه زندگی پر مشقت خود پایان داد این در حالی است که کارگران در این سن باید بازنشسته شده و در آرامش زندگی کنند اما ابوبکر محمدی با وجود داشتن سن بالا اما همچنان در شرکت مذکور به کارگری مشغول بود که حتی با وجود کار کردن نمی توانست زندگی خود و خانواده اش را تا مین نماید.

عدم رسیدگی به شکایت کارگران بازنشسته شرکت جهاد نصر کردستان

بنابر خبر رسیده، ۱۶ تن از کارگران شرکت جهاد نصر کردستان که به سن بازنشستگی رسیده اند پس از مراجعه به اداره بیمه تامین اجتماعی با مشکل پرونده های بیمه روبرو شده و به آنها اعلام شد که کارفرمای شرکت از ارسال ۸ سال سوابق کار آنان به اداره بیمه تامین اجتماعی خود داری کرده است.

شرکت جهاد نصر واقع در شهرک صنعتی شماره ۳ سنندج یکی از شرکت های نیمه دولتی و نیمه خصوصی است. این شرکت از جمله مراکز ورشکسته دولتی بود که با سپردن پروژه مسکن مهر توسط ستاد مسکن استانداری کردستان به آن، رونق دوباره گرفت. گزارش تکمیلی در مورد این شرکت و فعالیتهای آن قبلا از طریق سایت کمیته ارائه شده

متأسفانه این کارگران که به امید باز نشستگی به اداره بیمه مراجعه کرده بودند در حال حاضر به خاطر مواجه شدن با این مشکل در بلا تکلیفی بسر می برند.

احضار صدیق سبحانی و وفا قادری به دادگاه سنندج



بنابر خبر رسیده به دست ما روز دو شنبه ۲۸/۴/۱۳۸۹ صدیق سبحانی و وفا قادری از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک کارگری به دادگاه سنندج احضار و به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق تجمع غیر قانونی در گلگشت سال ۱۳۸۸ در شعبه ۴ باز پرسی دادگاه سنندج مورد باز پرسی قرار گرفتند و از آنان آخرین دفاعیات اخذ گردید.

نامبردگان به همراه ۱۲ نفر دیگر از فعالین کارگری به جرم شرکت در گلگشتی که در روز جمعه سیزدهم آذر ماه سال ۱۳۸۸، در دفاع از کارگران زندانی تدارک دیده شده بود، بازداشت شده و مورد اهانت و ضرب و شتم قرار گرفته و روانه بازداشتگاه شدند همچنین قابل ذکر است که وفا قادری و صدیق سبحانی پس از تحمل دو هفته بازداشت در تاریخ ۲۲ آذر سال ۱۳۸۸ با قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شده و روز دوشنبه مجدداً برای آخرین دفاعیات به دادگاه سنندج احضار شدند.



با امید به گسترش صلح و عدالت در همه جهان
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
۲۹ تیر ماه ۸۹

اساسی سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

سعید ترابیان پس از ۴۲ روز بازداشت از زندان آزاد شد

ساعت ۱۵ بعد از ظهر از زندان آزاد شد.

سعید ترابیان روز ۱۹ خرداد ماه سال جاری در منزل خود بازداشت شد. به سعید ترابیان اتهام واهی اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام را وارد کرده اند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با تبریک صمیمانه آزادی سعید ترابیان به خانواده و دوستان و همکاران وی و تمامی کارگران و سازمانها و نهادهای کارگری که در طول مدت



سعید ترابیان از اعضای هیئت مدیره و مسئول روابط عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه پس از ۴۲ روز بازداشت، امروز ۲۹ تیر ماه ۸۹

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین می‌توانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:

Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrsswift code : BOFAUS

شماره حساب انگلیس

ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید می‌توانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران:

عبدل گلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تشبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام می‌دارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی
- ۳- لغو مجازات اعدام
- ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
- ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
- ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
- ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
- ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
- ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
- ۱۰- تامین و تضمین يك زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به يك میلیون تومان

این فرمان جنبش آزادیخواهان مردم است. اینها خواستههای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند. مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹



مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!